

## مقدمه مترجم

جامعه‌شناسی ادبیات یکی از شاخه‌های علم جامعه‌شناسی است و مثل سایر شاخه‌های این علم، به روشی نظام‌مند، بی‌غرض، سرد و جدا با موضوع خود مواجه می‌شود. همچنان‌که در سایر شاخه‌های جامعه‌شناسی، هیچ موضوعی نیست که تاب نگاه تیز و نافذ جامعه‌شناس را بیاورد، در جامعه‌شناسی ادبیات هم هیچ موضوع ادبی‌ای، مقدس، مبتنی بر امر استعلایی و تافته جدا بافته تلقی نمی‌شود و اثر ادبی در وهله نخست به منزله یک موضوع، امری در خور موشکافی، تبیین و تحلیل و حتی «تقلیل» در نظر گرفته می‌شود و این‌ها همه برخلاف آن چیزی است که معمولاً در ساحت ادبیات و نقد ادبی مرسوم می‌گذرد.

در نقد ادبی معمولاً آنچه اهمیت دارد ساختار درونی اثر، صورت خیالی، استعاره، نحوه ترسیم شخصیت، طرح و از این قبیل است و امور بیرونی، اگر هم توجهی برانگیزند، صرفاً به عنوان پس‌زمینه در نظر گرفته می‌شوند. منتقد ادبی غالباً دشمن هر گونه رویکرد بیرونی به اثر است. از همین روست که پی‌یر بوردیو معتقد است که جامعه‌شناسی هنر (و ادبیات) نمی‌تواند به‌خوبی بر یک بستر قرار گیرند.

در خود حوزه جامعه‌شناسی نیز از همان آغاز، جامعه‌شناسی ادبیات با اقبال چندانی مواجه نشد. اگوست کنت و هربرت اسپنسر در قرن نوزدهم و امیل دورکیم و ماکس وبر در اوایل قرن بیستم، فقط به طور اتفاقی به ادبیات پرداختند. شاید فقط ماکس بود که بیشتر از آن‌ها به ادبیات توجه نشان داد، اما آراء ادبی او پراکنده، غیرمدون و گاه متناقض است. از همین روست که جامعه‌شناسی ادبیات در مقایسه با سایر شاخه‌های جامعه‌شناسی در حوزه‌هایی مثل سیاست، آموزش و پرورش، تغییرات اجتماعی و دین، نتوانست چنان‌که باید تثبیت شود و مشروعیت یابد. هم در حوزه نظریه و هم در حوزه پژوهش، کار چندانی که دارای دقت علمی باشد صورت نگرفته است. بنابراین، عجیب نیست که بیشتر پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی ادبیات مشخصاً جامعه‌شناس نبودند، از جمله یان وات، ریموند ویلیامز،

ریچارد هوگارت، فرانک کرمود، کنت بروک و ماری مک کارتی.

در ایران وضع جامعه‌شناسی ادبیات بهتر از اینکه هیچ، حتی بسیار بدتر است. از آن رو که جامعه‌شناسی ادبیات دست به گریبان مسائلی است که جامعه‌شناسی در کل با آن درگیر است، از جمله مسائل ناشی از مقاومت در برابر نهادینه شدن آن، مستقل شدن آن از سایر میدان‌های قدرت و سیاست و اقتصاد و از طرفی هم با مسائل خاص خودش روبه‌روست که ناشی از فقدان یک سنت نیرومند پژوهشی، عدم تثبیت، فقدان وجهه و احترام در میان خود جامعه‌شناسان در حدی که به صورت درسی «نخودی» تلقی می‌شود که «اختیاری» است و دانشجوی در «گرفتن» یا «نگرفتن» آن مختار است. به جز این، جامعه‌شناسی ادبیات در ایران تا مدت‌ها به صورت «اجتماعیات در ادبیات» تدریس می‌شد. چنان که می‌دانیم، کانون توجه جامعه‌شناسی ادبیات، رابطه میان اثر هنری، مخاطبانش و ساختار اجتماعی‌ای است که اثر در آن تولید و درک می‌شود؛ جامعه‌شناسی ادبیات می‌خواهد بیند اثر ادبی چگونه در شرایطی خاص به وجود می‌آید و سنت‌های فرهنگی و ترتیبات اجتماعی چه تأثیری بر تخیل نویسنده می‌گذارند. اما در «اجتماعیات در ادبیات» کوشش بر این است که بینیم نویسنده یا شاعر چگونه مفاهیم جامعه‌شناسی را به زبان ادبی بیان کرده‌اند. مثلاً مفهوم آنومی یا بی‌هنجاری را، که از اصطلاحات دورکیم است، در آثار دیکنز و داستایوفسکی جست‌وجو کنیم یا مفهوم بوروکراسی را، که از اصطلاحات ماکس وبر است، در آثار کافکا بیابیم و از طرف دیگر بینیم شرایط و اوضاع و احوال یک دوره چگونه در اثر یک نویسنده یا شاعر منعکس شده است. مثلاً برخی از اشعار انوری بازتابی است از ناامنی دوره‌ای که او در آن می‌زیست و یا نحوه حکومت شاه ابواسحاق از یک طرف و امیر مبارزالدین محمد از طرفی دیگر، دو واکنش متفاوت در شعر حافظ برانگیخته‌اند.

کتاب حاضر تصویری از جامعه‌شناسی ادبیات ارائه می‌دهد که دقیقاً برخلاف تصویر مرسوم از آن در دانشگاه‌های ایران است – یعنی مغایر اجتماعیات در ادبیات است. از این گذشته، مخاطبان این کتاب از یک طرف کسانی‌اند که فکر می‌کنند علوم اجتماعی صرفاً بررسی واقعیت‌های عینی و پوزیتیو است، و از طرف دیگر آن‌هایی‌اند که فکر می‌کنند ادبیات تجربه ذهنی منحصر به فردی است که تاب تحلیل علمی را ندارد. بنابراین، شیوه کتاب استدلالی است و کوشش نویسندگان آن، برقراری پلی بین این دو قلمرو است؛ یعنی قلمرو واقعیت‌های عینی و قلمرو تجربه‌های ذهنی. گسترش چشمگیر توجه به جامعه‌شناسی در چند دهه اخیر، تا

حد زیادی معطوف بوده است به بررسی موضوعاتی مثل آموزش و پرورش، قشربندی اجتماعی، دین، طبقه، روابط نژادی و از این قبیل. در نتیجه موضوعات ابهام‌آمیزی مثل ادبیات مغفول مانده‌اند. به جرئت می‌توان گفت در زبان انگلیسی و به قاطعیت تمام در زبان فارسی کتابی مانند این کتاب نوشته یا ترجمه نشده است تا این‌جا را پر کند و پیوندی میان نظریه‌های جامعه‌شناسی ادبیات و کاربرد عملی آن‌ها در تحلیل رمان برقرار کند، رمان‌هایی از قبیل تام جونز، فیلدینگ، هزار و نهمصد و هشتاد و چهار اورول، تهوع سارتر، بیگانه کامو، و یک میلیون جرینگی وست.

این کتاب سه بخش دارد:

- بخش اول به بررسی رابطه جامعه‌شناسی و ادبیات می‌پردازد، نظریه‌های جامعه‌شناسی

ادبیات را مطرح می‌کند و به مسائل روش در بررسی‌های جامعه‌شناسی ادبیات می‌پردازد.

- بخش دوم به حرفه‌ای شدن نویسنده، و رابطه او با حامیان و بازار و مخاطبان به طور

کلی نظر می‌کند. در این بخش نویسندگان به شرح نظری و تجربی انواع روابط موجود میان

تولید ادبیات و بستر اجتماعی آن پرداخته‌اند. آن‌ها در این مباحث با رد هر گونه پیوند

مکانیکی میان زمینه اجتماعی و ادبیات و نیز با رد این ادعا که ادبیات صرفاً انعکاس ساده یا

پیچیده ساختار اجتماعی است، مدعی‌اند که خود متن ادبی را نمی‌توان در محیط

اجتماعی‌اش منحل کرد.

- بخش سوم کتاب شامل کاربرد نظریه در تحلیل رمان است، اما در عمل جدل یا

گفت‌وگویی است با لوکاج و گلدمن از بابت میزان انطباق نظریه‌های شان با رمان، مخصوصاً

رمان قرن بیستم. ضمناً این فصل را نویسندگان از این لحاظ نوشته‌اند تا نشان دهند که هیچ

دانشجوی جامعه‌شناسی نمی‌تواند از «شواهد ادبی» و از «آگاهی ادبی» بی‌نیاز باشد.

در پایان باید تشکر کنم از

- آقای دکتر فواد مولودی، و آقای دکتر عبدالرسول فروتن، اعضای هیئت علمی گروه

مطالعات ادبی پژوهشکده «سمت»، از بابت پیگیری و اصرارشان برای چاپ و انتشار این کتاب

تا مگر پژوهش‌های ادبی در دانشگاه‌های ایران، با چشم‌اندازهای این حوزه مجهز شوند، و

- خانم مریم جابر ویراستار محترم «سمت» که با دقت و وسواس مسئولانه‌شان، اثر را

بسیار بصواب‌تر و پرداخته‌تر از قبل کردند، و نیز از

- آقای عبدالرضا حسنی که متن کتاب را با رویکردی فرهنگی-بومی شناختی بررسی و توصیه‌هایی در این خصوص مطرح کردند، و همچنین از  
- خانم هاله معیری کارشناس محترم گروه پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، خانم مژگان امیری پریان - مسئول محترم روخوانی و کنترل نهایی کتاب حاضر - و سایر همکاران «سمت» که دست‌اندرکار آماده‌سازی، چاپ و نشر این کتاب بودند.

## پیشگفتار

کتاب حاضر با این هدف نوشته شده است که ایده جامعه‌شناسی ادبیات را معرفی کند، هم به کسانی که معتقدند علم اجتماعی صرفاً بررسی واقعیت<sup>۱</sup> هاست و هم به کسانی که ادبیات برای آن‌ها تجربه ذهنی یگانه‌ای است که با تحلیل علمی ناسازگار است. وسعت چشمگیر علاقه به جامعه‌شناسی در همه سطوح در طی چند سال اخیر، تا حد زیادی محدود به قلمروهایی از تحقیق<sup>۲</sup> بوده است که به خوبی توسعه یافته‌اند - آموزش و پرورش، قشربندی اجتماعی، دین، روابط نژادی، انحرافات - به نحوی که قلمروهای دیگر که از سنت دورترند و ابهام‌آمیزترند از قلم افتاده‌اند. بررسی جامعه‌شناسی ادبیات، نه از لحاظ نظریه گسترش یافته است و نه از لحاظ روش تحلیل، بلکه در حالتی برزخی میان ادبیات به مثابه ادبیات و جامعه‌شناسی به مثابه علم اجتماعی معلق مانده است. در زبان انگلیسی، هیچ متن راهنمای بسنده‌ای برای تحلیل اجتماعی ادبیات در گذشته یا حال وجود ندارد و هیچ اثر منتشرشده‌ای وجود ندارد که رابطه‌ای بین نظریه و پژوهش ایجاد کرده باشد. در این کتاب کوشیده‌ایم تا این خلأ را پر کنیم و در حمایت از گسترش نوعی جامعه‌شناسی ادبی استدلال‌های محکمی بیان کنیم.

این کتاب به سه بخش تقسیم شده است: در 'بخش اول'، درباره این نظریه بحث خواهیم کرد که ادبیات محصولی است اجتماعی که مسائل موجود در تحلیل‌های اجتماعی را به گذشته، و نیز به نویسندگان معاصر پیوند می‌زند؛ و نشان داده می‌شود که درجاتی از استمرار فکری میان آن‌ها وجود داشته است. در 'بخش دوم'، موقعیت اجتماعی خود نویسنده مطرح خواهد شد و خواهیم کوشید تأثیرات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خاص را بر ساختار اثر او نشان دهیم. در 'بخش سوم'، با بیان تحلیل‌های تجربی از متون ادبی معتبر می‌کوشیم بین نظریه و عمل ارتباط برقرار کنیم. آلن سوئینگ‌وود 'بخش اول' و 'بخش سوم' را به تمامی نوشته است و دیانا لارنسون 'بخش دوم' را. اگرچه این دو نویسنده بر نکته‌های متفاوتی تأکید می‌کنند، اما امیدواریم که نتیجه کارشان چندان متناقض نباشد. امیدواریم این اثر به گسترش جامعه‌شناسی ادبیات کمک کند.

---

1. fact  
2. inquiry

در فرانسه، بررسی جامعه‌شناختی ادبیات همچون سایر حوزه‌های تخصصی گسترش یافته و از این حیث از آن‌ها عقب نمانده است. بسیاری از ایده‌های مندرج در این کتاب مستقیم از نویسندگان فرانسوی گرفته شده‌اند؛ به خصوص از نویسنده رومانیایی تبار، لوسین گلدمن. مایه تأسف است که اندک زمانی بعد از پایان بردن این کتاب، از درگذشت ناگهانی و تقریباً زود هنگام او در سن پنجاه و شش سالگی باخبر شدیم. لوسین گلدمن شاید بیش از هر نویسنده دیگری در طول بیست سال گذشته بررسی جامعه‌شناختی ادبیات را از طریق نوشته‌هایش درباره نمایش و رمان توسعه داده است. بدون آثار او این کتاب ناقص‌تر می‌بود.

نوامبر ۱۹۷۰